

تحلیل رگرسیونی موانع اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی

رجب ربوی *

دکتر صادق ملکی آوارسین **

دکتر جعفر ترک زاده ***

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی موانع اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش انجام گرفته است. روش تحقیق کمی- توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل ۵۱۴ نفر از اعضای شورای آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی بوده و نمونه آماری به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی و تصادفی ساده به تعداد ۲۶۴ نفر انتخاب شده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بوده که دارای سه مؤلفه موانع ساختاری، فرهنگی و اجتماعی با ۲۲ گویه است و روایی آن با نظرسنجی از متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۵ محاسبه گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین، انحراف معیار و آمار استنباطی به‌ویژه آزمونهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین برای پیش‌بینی متغیر ملاکی مصوبات تحقق نیافته شوراهای از متغیرهای پیش‌بین موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی بهره‌گیری شده است و مقدار R^2 تعدیل یافته نشان می‌دهد که ۳۸ درصد تغییرات متغیر ملاکی (مصوبات تحقق نیافته شوراهای) ناشی از متغیرهای پیش‌بین است. از میان متغیرهای پیش‌بین، متغیر موانع اجتماعی در سطح $p < 0/01$ معنادار است و متغیرهای موانع فرهنگی و موانع ساختاری معنادار نیست. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود الزامات قانونی، اجرایی و سیستم ارزیابی مناسب در زمینه میزان همکاری و مشارکت سایر سازمانها، شرکتهای دولتی و غیردولتی در اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش لحاظ شود.

کلید واژگان: شورای آموزش و پرورش، موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی، مصوبات

تحقق نیافته شوراهای

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۶

rabavir@yahoo.com

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

s.maleki@iaut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران

djt2891@gmail.com

*** دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه شیراز

مقدمه

یکی از وظایف اساسی دولت فراهم کردن زمینه و امکانات مناسب برای تحصیل همه افراد جامعه به ویژه کودکان واجب التعلیم است. بر اساس اصل سی ام قانون اساسی، دولت موظف است «وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». اما واقعیتهای موجود نشان می‌دهد که دولت به تنهایی قادر به تامین نیروی انسانی، فضا، تجهیزات آموزشی و منابع مالی برای دستیابی به اهداف و ماموریت‌های تعیین شده نیست، بنابراین به منظور بهره‌گیری از همه منابع و امکانات جامعه برای تامین، توسعه، تجهیز فضاهای آموزشی و پرورشی، بهره‌گیری از تجارب و تخصص اعضای جامعه در مدیریت بخش‌های گوناگون آموزشی، تربیتی و اداری مدارس و نواحی، استفاده از فضاها و امکانات و توانمندی‌های مرتبط با اهداف و فعالیت‌های تربیتی و آموزشی مدارس و رفع تنگنای مالی نظام آموزشی کشور، مشارکت و نظارت مردم در آموزش و پرورش امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. از این رو، نگرش برنامه‌ریزان، پژوهشگران، هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی معطوف به استفاده مؤثر از ابزارهایی شده است که با استفاده بهینه از آنها، نقش مردم و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی را در فرآیند توسعه ملی و آموزش و پرورش بالنده افزایش دهند. یکی از این راهکارها «قانون شوراهای آموزش و پرورش استانها و مناطق کشور» است که در ۲۶ دی ماه ۱۳۷۲ به منظور مشارکت همه جانبه مردم و کمک‌های ارگانها و شرکتهای دولتی و غیردولتی در امور آموزش و پرورش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. با گذشت بیش از دو دهه، اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش با موانع اساسی روبه‌روست. عباسپور، مدیر کل امور شوراهای وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۹۳) عدم مشارکت اعضا و عدم وجود ضمانت اجرایی مصوبات شوراهای آموزش و پرورش را از موانع جدی شوراهای آموزش و پرورش بیان کرده است. به نظر وی ۷۰ درصد مصوبات، در شورای جلسات آموزش و پرورش ماموریتی بوده و بیشتر مصوبات بلا تکلیف مانده است (خبرگزاری تسنیم). همچنین یافته‌های پژوهشی ربوی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که ۳۵ درصد مصوبات شوراهای آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی با اهداف قانون شوراهای آموزش و پرورش مغایرت داشته و غیرمرتبط است و ۵۴ درصد مصوبات شوراهای آموزش و پرورش استان تحقق نیافته است. صاحب‌نظران و پژوهشگران تعلیم و تربیت وجود موانعی را بر سر راه اجرای مصوبات شورای آموزش و پرورش بیان می‌کنند. تقوی طلب (۱۳۸۰) موانع اجرای قانون شوراها از نظراعضا را «نبودن امکانات مالی، عدم ضمانت اجرایی، عدم

اختیارات کافی شوراهای، عدم آگاهی مسئولان و مردم از قانون شوراهای، قانونمند نبودن امور، عدم صراحت قوانین، عدم همکاری افراد متخصص، عدم قدرت اجرایی کافی، کمبود تبلیغات، دولتی بودن شوراهای، شعاری و آرمانی بودن شوراهای، تکیه به مسائل اقتصادی و مادی، نبودن نماینده معلمان در شوراهای، حاکمیت فرهنگ سنتی و اداری مرسوم و ایجاد فاصله میان مردم و دولت، جدید بودن قانون شوراهای، تضاد میان سیستم اجرایی و شورایی و تشریفاتی بودن قانون شوراهای^۱ بیان کرده است. زارعی (۱۳۷۸)، برای تحقق بخشیدن به اهداف شورای آموزش و پرورش موانع و محدودیتهای فردی، اجتماعی، فرهنگی و ساختاری مانند: جهل، خودخواهی و خود-محوری، نداشتن اعتماد به دیگران، نبود کنجکاوی، نبود همدلی، نداشتن انعطاف ذهنی و احساس همکاری، مغایرت اهداف فرد و سازمان، وجود سبکهای متفاوت مدیریت و رهبری در سازمان، احساس بیم و خطر از مشارکت هر یک از طرفین، عدم وجود خصلتهای کار گروهی در میان کارکنان، عدم ایجاد زمینه فرهنگی مناسب برای مشارکت، کمبود آزمونهای لازم و ضعف مدیریت بیان کرده است. مشبکی (۱۳۷۷)، اوکلی و مارسدن (۱۳۷۰) و مستوفی (۱۳۷۹) موانع مشارکت را در سه قلمرو موانع اجرایی، فرهنگی^۱ و ساختاری^۲ مانند تصور اینکه شورا به نوعی سلب استقلال رأی مدیر است، مقاومت بافت سنتی سیستم اداری در مقابل تحول و تغییر، عدم اعتقاد مدیران آموزشی و پرورشی به نیروی عظیم مردمی، عدم هماهنگی سیستم اجرایی کشور با مدیریت شورایی، عدم آگاهی عمومی و تصور اینکه دولت باید متولی مطلق آموزش و پرورش باشد؛ از مهم ترین موانع اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش مطرح کرده اند. و نوروزی، نوذرصاری و صالحی نویسندگان (۱۳۸۷) موانع فرهنگی، ساختاری، آموزشی، آموزش همگانی و منابع و امکانات را مهم ترین موانع برای حضور مردم و سازمانها در تحقق مصوبات شورای آموزش و پرورش برشمرده اند.

به اعتقاد پورصالحی، مظفر، حاجیان و رضایی (۱۳۹۱) موانع فرهنگی موانعی هستند که باید از نظر فرهنگی برطرف شوند تا مصوبات تصویب شده به ثمر برسند و نتایج مثبت مورد پیش بینی از آنها به دست آید. پیروزمند (۱۳۸۹) معتقد است که موانع ساختاری موانعی هستند که ساختار ارگانها، نهادها، سازمانها و زیرساختهای آنها سبب می شوند تا نتوان به بهترین روش در حوزه امور آموزشی، پژوهشی و تربیتی انجام وظیفه کرد. به این ترتیب ناهماهنگی درون سازمانی و بین سازمانی نیز ایجاد می شود. به نظر مشبکی (۱۳۷۷)، موانع اجتماعی موانعی هستند که به سبب

1. Cultural
2. Structural

درآمد پایین خانواده‌ها، سطح تحصیلات و آموزش پایین افراد، نداشتن انعطاف‌پذیری ذهنی و ناتوانی در زندگی با دیگران نمی‌تواند روابط مسائل اجتماعی مانند اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش را درک کنند.

برخی از محققان مانند سالاریان (۱۳۷۹)، میعادفر (۱۳۸۰) و حماد^۱ (۲۰۱۰) شرایط تحقق یافتن اهداف شورای آموزش و پرورش را وابسته به حضور گردانندگان مدرسه در شورا، مساعد ساختن نظارت مردم بر آموزش و پرورش و ایجاد زیرساختهای مناسب برای نظام شورایی بیان کرده اند. بنابراین چنین استنباط می‌شود که اگر در شوراها براساس تکالیف ابلاغی وزارتخانه بحث و گفتگو شود عملاً از اهداف شوراها فاصله گرفته می‌شود و آنچه مورد نظر قانون‌گذار بوده و هدف ابتکار و خلاقیت نیروهای محلی و استانی به فراموشی سپرده می‌شود. اگر در انتخاب اعضای شورای آموزش و پرورش به ویژه افراد حقیقی و نمایندگان دبیران، مدیران و اولیا و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به توانمندیهای ارتباطی، فکری و علمی آنها توجه نگردد، آنها احساس خود کم بینی کرده و نقش فعال و جدی در شوراها ایفا نخواهند کرد. فلتی^۲ (۱۳۷۸) برای رفع معضلات اجرای مصوبات شوراها پیشنهادهایی مانند «الف) توانمند ساختن و آموزش دادن شهروندان و کارکنان، ب) آموزش مجدد مدیران؛ ج) توانا کردن فرآیندها و ساختارهای اداری» ارائه می‌نماید.

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و پژوهشگران علوم اجتماعی نیز برای حل مشکلات جامعه و به‌طور کلی آموزش و پرورش و اجرای مصوبات شورای آموزش و پرورش بر اهمیت مشارکت مردم و آگاه کردن آنان تأکید کرده اند. به اعتقاد مهدوی و رحمانی خلیلی (۱۳۸۷) مشارکت همگانی شهروندان در امور اجتماعی، احساس مسئولیت و تعلق به جامعه را در آنان تقویت می‌کند و سبب انسجام اجتماعی و تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. از نظر او حضور افراد در فعالیتهای و تصمیم‌گیریهای اجتماعی در بلند مدت سبب نزدیکی روابط میان اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه‌صدر و تسامح و تساهل می‌شود و در نتیجه به توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک می‌انجامد.

پژوهشگران متغیرهای متعددی مانند تمرکززدایی در نظام آموزشی (جمالی، ۲۰۰۵؛ کارنال^۳، ۲۰۰۳)؛ نظارت مردم (جمالی، ۲۰۰۵؛ کارنال، ۲۰۰۳؛ سرجیوانی و استارات^۴، ۱۹۹۴؛ قاسمی‌پویا،

1. Hammad
2. Felty
3. Carnall
4. Sergiovanni & Starrat

۱۳۸۲؛ مک‌لگان و نل^۱؛ ۱۳۷۷؛ گورسول و توژماز^۲، ۲۰۱۰؛ شلدن^۳، ۲۰۱۱)، را بر مدیریت شورایی و توسعه نظام آموزشی مؤثر می‌دانند. بنابراین مشارکت مردم نه تنها بخشی از مشکلات آموزش و پرورش را برطرف می‌کند بلکه برسپهای روانشناختی نشان می‌دهند که هرگاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد، شریک شوند، آفرینندگی بیشتری از خود نشان می‌دهند و بیشتر مسئولیت می‌پذیرند (سومیرک، آتاسوی و اوزدمیر^۴، ۲۰۰۹).

سپهری (۱۳۸۴)، مهم‌ترین راههای مشارکت مردم در آموزش و پرورش را حضور همه جانبه اولیا و مربیان در تصمیم‌گیریهای آموزشی، پژوهشی و اداره مدرسه، اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع درباره وضعیت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان، قدردانی از فعالیتها و همکاری مدرسه، ایجاد فضای لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان، استفاده مناسب از توانمندیهای اولیا و مربیان، برگزاری جلسات مشترک اولیا و مربیان به طور مستمر و کیفیت بخشی به امر آموزش در مدارس می‌داند. عباسی (۱۳۸۵)، مهم‌ترین راههای افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش را تغییر نگرش مردم نسبت به مشارکت، تمرکززدایی در آموزش و پرورش، بهره‌گیری از قابلیت‌های اولیا در مدارس، تقویت تشکلهای مردمی، خصوصی سازی آموزش و پرورش، گسترش تبلیغات صدا و سیما در مورد مشارکت در آموزش و پرورش، مدرسه-محوری و استمداد از شوراهای شهر و روستا می‌داند. گرشبرگ^۵ (۱۹۹۹)، در پژوهش خود نشان داده است که مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور گوناگون مدرسه نقشی سازنده در موفقیت مدیریت آموزشی دارد. با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام یافته به نظر می‌رسد سه مانع عمده شامل موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری در عدم اجرای مصوبات شورای آموزش و پرورش نقش داشته باشند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که آیا میان موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری با عدم تحقق مصوبات شوراهای آموزش و پرورش رابطه وجود دارد؟ و سهم هر یک از این متغیرها در عدم تحقق مصوبات چقدر است؟

-
1. McLegan & Nell
 2. Gursul & Tozmaz
 3. Sheldon
 4. Somyürek, Atasoy & Özdemir
 5. Gershberg

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش شامل همه اعضای شوراهای ۳۵ گانه آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی به تعداد ۵۱۴ نفر بوده است که ۲۶۴ نفر با روش نمونه گیری طبقه ای نسبتی و تصادفی ساده انتخاب شدند. به این منظور هر کدام از شوراهای ۳۵ گانه نواحی و مناطق استان به عنوان یک طبقه و نمونه مورد نیاز داخل هر طبقه به نسبت تعداد اعضا با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش، پرسشنامه ای محقق ساخته در زمینه سه مؤلفه موانع ساختاری با ۸ گویه (شفاف نبودن قانون شوراهای آموزش و پرورش، عدم استفاده بجا از اختیارات پیش بینی شده در قانون از سوی رؤسای شورای آموزش و پرورش، عدم وجود ضمانت اجرایی و الزامات قانونی برای اجرایی شدن مصوبات، عدم وجود سیستم ارزیابی سازمانها در ارتباط با میزان همکاری و مشارکت در اجرای مصوبات شورای آموزش و پرورش، عدم تشکیل مرتب و منظم جلسات شورا طبق قانون، عدم اطلاع رسانی به موقع مصوبات به سازمانهای ذیربط، عدم تشکیل کمیته تخصصی در شوراهای آموزش و پرورش و عدم توجه به تنوع تخصصهای مرتبط با اهداف شورا در انتخاب اعضا)، موانع اجتماعی با ۷ گویه (عدم کارشناسی دقیق مصوبات در جلسات شورا، عدم آمادگی فکری و عملی اعضای شورا در جلسات به دلیل مشغلههای کاری، عدم تبیین رسالت قانونی شوراها به اعضای هیات رئیسه یا هیات مدیران سازمانها و ادارات از سوی سازمان آموزش و پرورش، عدم اطلاع رسانی عمومی از طریق رسانه درباره وظایف شورا، عدم آموزش شوراها به خانوادهها، عدم ارسال جملات بزرگان در مورد نقش آموزش و پرورش در جامعه به مدیران کل استان، عدم اختصاص ویژه برنامه مداوم برای انعکاس نیازها، مسائل و اخبار آموزش و پرورش از صدا و سیما استان) و موانع فرهنگی با ۷ گویه (عدم تعهد عملی مدیران سازمانها برای حل مشکلات آموزش و پرورش، مشارکت ضعیف مدیران سازمانها برای پیگیری مصوبات شورا، عدم همدلی و صمیمیت در اعضای شورای آموزش و پرورش، عدم انتخاب اعضای مستقل و کارآمد برای عضویت در شورا، عدم باور قلبی اعضا به قانون شوراها، عدم استفاده از تواناییهای فکری مدیران کل سایر سازمانها و بانکها، عدم دعوت نماینده سازمانهای مرتبط با موضوع جلسه شورا به عنوان مهمان) مجموعاً با ۲۲ گویه تهیه و روایی آن، با نظر متخصصان و کارشناسان تعلیم و تربیت تأیید شد. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۵ به دست آمده است. برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه به صورت حضوری در اختیار اعضای شورای آموزش و پرورش قرار گرفته و پس از تکمیل پرسشنامه از آنها

تحويل گرفته شده است. برای پاسخ به فرضیه‌ها و سؤال تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. میانگین موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی و مصوبات تحقق نیافته شوراهای

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
موانع ساختاری	۴۰/۶۶	۳/۶۸	۴۶	۳۲
موانع اجتماعی	۳۸/۰۹	۱/۹	۴۱	۳۴
موانع فرهنگی	۴۲/۰۶	۲/۷۳	۴۶	۳۲
مصوبات تحقق نیافته شوراهای ۳۵ گانه	۳۹/۲۶	۱۳/۳۶	۶۸	۵

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱ میانگین موانع ساختاری (۴۰/۶۶)، اجتماعی (۳۸/۰۹)، فرهنگی (۴۲/۰۶) و مصوبات تحقق نیافته شوراهای (۳۹/۲۶) و انحراف معیار آنها به ترتیب ۳/۶۸، ۱/۹، ۲/۷۳، ۱۳/۳۶، و بیشترین نمره آنها به ترتیب ۴۶، ۴۱، ۴۶ و ۶۸ و کمترین نمره آنها به ترتیب ۳۲، ۳۴، ۳۲ و ۵ است.

جدول ۲. رابطه موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای

P	r همبستگی	رابطه موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای
$P<0/01$	$r=0/55$	موانع ساختاری با مصوبات تحقق نیافته شوراهای
$P<0/01$	$r=0/58$	موانع اجتماعی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای
$P<0/01$	$r=0/46$	موانع فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای

بر اساس جدول شماره ۲ ضریب همبستگی میان موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۵۸ و ۰/۴۶ به دست آمده است و ضریب محاسبه شده با $P<0/01$ معنادار است. این بدان معنا است که میان موانع مذکور با مصوبات تحقق نیافته شوراهای رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت به موازات افزایش موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی مصوبات تحقق نیافته شوراهای افزایش می‌یابد.

برای پیش‌بینی متغیر مصوبات تحقق نیافته شوراهای از متغیرهای پیش‌بین موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی بهره‌گیری شده و با استفاده از رگرسیون، مورد تحلیل قرار گرفته است. مقدار R^2 تعدیل یافته نشان می‌دهد که ۳۸ درصد تغییرات متغیر ملاک (مصوبات تحقق نیافته) ناشی از متغیرهای پیش‌بین است. در ادامه از تحلیل واریانس استفاده گردید و نتیجه به دست آمده نشانه معنادار بودن در سطح $p\leq 0/01$ است، یعنی حداقل یکی از متغیرهای پیش‌بین معنادار است.

جدول ۳. تحلیل واریانس متغیرهای پیش بین موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی

sig	f	df	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	
$P \leq 0/01$	۸/۰۷	۳	۸۸۷/۸۴	۲۶۶۳/۵۳	رگرسیون
		۳۱	۱۰۹/۹۷	۳۴۰۹/۱۴	باقیمانده
		۳۴		۶۰۷۲/۶۸	جمع کل

در ادامه با استفاده از رگرسیون همزمان ضرایب پیش بینی به شرح زیر محاسبه گردید.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون متغیرهای موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی بر متغیر مصوبات تحقق نیافته

Sig	t	Beta ^۱	انحراف استاندارد	B ^۱	
۰/۲۴	۱/۹	۰/۲۲۲	۰/۶۸	۰/۸	موانع ساختاری
۰/۰۱	۲/۵	۰/۳۹۵	۱/۱۲	۲/۷۷	موانع اجتماعی
۰/۲۷	۱/۱	۰/۱۹۰	۰/۸۲	۰/۹۲	موانع فرهنگی

همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد از میان متغیرهای پیش‌بین، موانع اجتماعی در سطح $p < 0/01$ معنادار است و سایر متغیرها معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان داد که میان موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین با افزایش موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی؛ مصوبات تحقق نیافته شوراهای افزایش می‌یابد و به عکس با کاهش موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی؛ مصوبات تحقق نیافته شوراهای کاهش می‌یابد. یافته دیگر این تحقیق براساس مقدار R^2 تعدیل یافته بیانگر آن است که ۳۸ درصد تغییرات متغیر ملاک (مصوبات تحقق نیافته شوراهای) ناشی از متغیرهای پیش‌بین است و از میان متغیرهای پیش‌بین، موانع اجتماعی در سطح $p < 0/01$ معنادار است و بقیه متغیرها معنادار نیست. برای تبیین این یافته‌ها چند دلیل می‌توان بیان کرد:

۱. شورای آموزش و پرورش به منزله فرآیند یا فعالیتی که در گستره سیستم فعال است، به وسعت قلمرو «سیستم باز» است. بنابراین ابعاد متفاوت راهبردی، ساختاری، فناوری، فردی، کارکردی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تعاملات محیطی و وجهه بیرونی سیستم آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد. در چنین شرایطی، شورای آموزش و پرورش، به مثابه یک سازوکار

۱. ضریب تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته

۲. ضریب تاثیر متغیر مستقل استاندارد شده بر متغیر وابسته

بازخوردی آگاهانه و مستمر، در یک چرخه کارکردی فزاینده، به منزله یک تعامل سیستمی مستمر، سازنده و جهت دهنده، صبغه ای توسعه ای می‌یابد و در پرتو تجربه‌ها و یادگیری گذشته و حال، زمینه عملی بهبود و تضمین کیفیت سیستم آموزش و پرورش و توانمندسازی آن برای حرکت به سوی آینده ای بهتر فراهم می‌آورد (ترک زاده، ۱۳۸۷).

۲. شرایط محیطی نظام آموزشی به دلیل تعامل فزاینده عواملی مانند انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات، تکامل سریع دانش در حوزه‌های گوناگون، جهانی شدن، روند سریع مشتری-محوری و در نتیجه تشدید رقابتها، به سوی پیچیدگی و پویایی هر چه بیشتر پیش می‌رود. تغییر محیط موجب تغییر پارادایمها، فرهنگها، خط مشی‌ها، ساختارها و نقشهای نظام آموزشی و نیز الگوهای آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی آن شده است. تغییرات یاد شده، تغییر در محیط یادگیری و قلمرو نظام آموزشی، تغییر در خروجیهای نظام آموزشی، تغییر در توسعه نظام آموزشی، و البته تغییر در ارزیابی و هدایت (رهبری) نظام آموزشی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی را در پی داشته و خواهد داشت. علاوه بر اینکه نظام آموزشی، هم‌زمان تحت تأثیر عوامل و شرایطی متفاوت و متغیر در محیطهای بین المللی، ملی و منطقه ای است که ناگزیر از پاسخگویی به آنها است. اگر نظام آموزشی می‌خواهد از تغییرات گسترده و سریع محیطی عقب نماند و کارآمدی، معناداری و استمرار بقای خود را از دست ندهد باید در خود و محیطش، تغییرات قصد شده، هدفمند و معنادار ایجاد کند (ترک زاده، ۱۳۸۸).

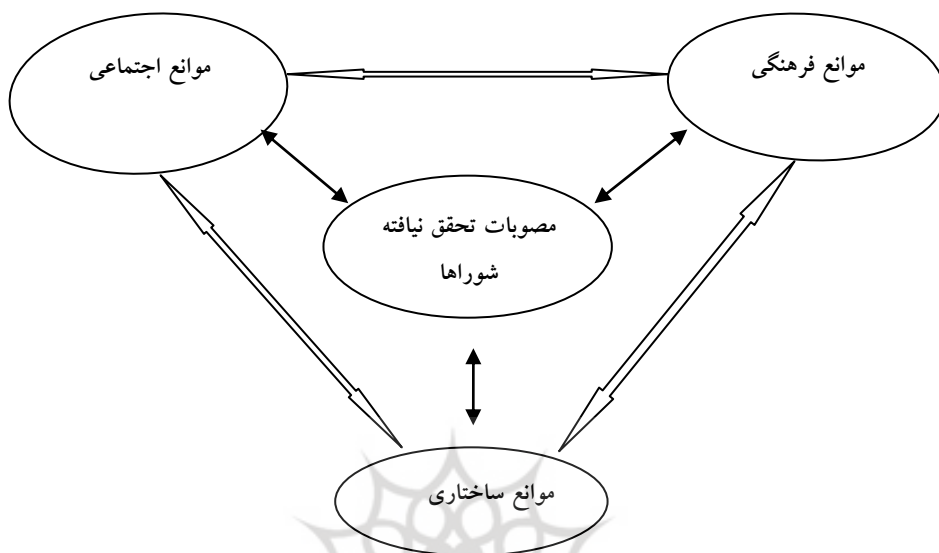
۳. رؤسا و دبیران شوراهای آموزش و پرورش (استان، نواحی و مناطق) به عنوان رهبران راهبردی باید بکوشند از طریق خلق معانی و نقشه‌های شناختی کارآمد، توسعه چشم انداز مشترک و توانمندسازی سیستمها و افراد در قلمرو رهبری خود، زمینه لازم را برای خودتنظیمی و راهیابی راهبردی سیستم فراهم کنند. و در نهایت، از طریق اعتمادسازی و توسعه سرمایه اجتماعی در درون و بیرون سیستم آموزش و پرورش و توسعه پتانسیل انگیزشی سیستم زمینه نفوذ بیشتر خود و اثرگذاری و توفیق اندیشه‌ها و اقدامات خود در سیستم و محیط را فراهم کنند (بول و شولتز، ۲۰۰۷؛ ترک زاده، ۱۳۸۸).

۴. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان موانع ساختاری مانند شفاف نبودن قانون شوراهای، نداشتن ضمانت اجرایی و ناتوانی روسای شورای آموزش و پرورش در اجرای مصوبات با مصوبات تحقق نیافته شوراهای رابطه مثبت وجود دارد. از این جهت نظام آموزشی و شورای آموزش

و پرورش استان نیازمند طراحی ساختار مناسب و حمایتگر است. به این منظور صاحب‌نظران مدیریت مانند هوی و سوئیتلند^۱ (۲۰۰۱)، ساختار تواناساز را برای برون رفت از مشکلات ساختاری مطرح نموده‌اند. ساختار تواناساز دربردارنده قواعد و مقرراتی است که راهنمای حل مشکلات بوده است و بدین ترتیب فرآیند حل مسئله را بهبود می‌بخشد (هوی و سوئیتلند، ۲۰۰۱). این ساختار به قواعد و مقرراتی حمایتگر اشاره می‌کند که رهبران سازمانی به مدد آنها از اختیارات خود برای مدیریت تغییرات سازمانی و رفع مشکلات موجود استفاده می‌کنند (مک‌گویگان^۲، ۲۰۰۵). از این رو زمینه لازم برای فرآیند رهبری سازمانی در موقعیتهای پیچیده درونی و محیطی را فراهم می‌آورد (تایلوس^۳، ۲۰۰۹). ساختار تواناساز منجر به تواناسازی اعضای سازمان برای پاسخگویی به شرایط و سیستمهای متفاوت به شیوه‌ای پویا و منعطف می‌شود (انگلرت و تارانت^۴، ۱۹۹۵؛ هوی، ۲۰۰۳؛ مک‌گویگان، ۲۰۰۵؛ کلارک^۵، ۲۰۰۸؛ بیرد^۶ و همکاران، ۲۰۰۹؛ واتس^۷، ۲۰۰۹)، و پیامدهای مثبت سازمانی را ارتقا می‌بخشد (هوی، ۲۰۰۳؛ معینی شهرکی و همکاران، ۱۳۹۰).

۵. از یافته‌های دیگر این پژوهش رابطه موانع اجتماعی با مصوبات تحقق نیافته شوراهای آموزش و پرورش است که نشان می‌دهد همبستگی اجتماعی کمتری میان سازمانهای مرتبط و حامی شورای آموزش و پرورش وجود دارد. بنابراین اگر شورای آموزش و پرورش استان بتواند از سرمایه اجتماعی سازمانها به خوبی استفاده کند می‌تواند موانع اجتماعی را از سر راه خود بردارد، زیرا سرمایه اجتماعی به منزله یک منبع اجتماعی در روابط میان افراد یافت می‌شود و در برگیرنده شبکه‌های اجتماعی، ساختار حمایتی، مشارکت اجتماعی، مدنی و سیاسی و همچنین اعتماد میان افراد و نظامهای اجتماعی است و از طریق مجموعه‌ای از روابط و هنجارهای اجتماعی به کیفیت روابط اجتماعی و توسعه و تحکیم همبستگی اجتماعی برای رشد و موفقیت و توسعه پایدار جامعه کمک می‌کند (ترک زاده و محترم، ۱۳۹۱). با توجه به مطالعات و پژوهشهای انجام شده و یافته‌های این پژوهش موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری در مصوبات تحقق نیافته شوراها نقش دارند که در الگوی شماره ۱ به تصویر کشیده شده است.

-
1. Hoy & Sweetland
 2. McGuigan
 3. Tylus
 4. Englert & Tarrant
 5. Clark
 6. Beard
 7. Watts



الگوی ۱. رابطه موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراها

الگوی شماره ۱ بیانگر ارتباط تعاملی میان موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی با مصوبات تحقق نیافته شوراهاست و موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی با همدیگر، ارتباط دو سویه دارند. یعنی مؤلفه‌های میان موانع ساختاری، اجتماعی، فرهنگی بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که مسئولان آموزش و پرورش قانون شوراهای آموزش و پرورش را برای مردم، به ویژه برای مدیران میانی تبیین کنند و اختیارات لازم و کافی را جهت اجرای مصوبات به رؤسای شورای آموزش و پرورش بدهند. همچنین برای اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش ضمانت اجرایی و الزامات قانونی در نظر گرفته شود و سیستم ارزیابی مناسب نیز در زمینه میزان همکاری و مشارکت سایر سازمانها، شرکتهای دولتی و غیردولتی در اجرای مصوبات شوراهای آموزش و پرورش ایجاد شود.

به منظور اجرای مصوبات شورای آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که نقش، ضرورت و اهمیت شورا از طریق تهیه و تدوین بروشور و کلیپ و برگزاری همایش، برای اولیا، کارکنان، دبیران و مسئولان سازمانهای مرتبط تبیین شود و در جلب مشارکت آنان اقدام لازم به عمل آید.

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴ این پژوهش، برای تحقق بخشیدن به مفاد سند چشم انداز و تدوین الگوی اسلامی- ایرانی، استقرار نظام مدیریت اثربخش و تعامل اثربخش نظام تعلیم و

تربیت با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی و اصلاح ساختارها و روشها پیشنهاد می‌شود که عموم مردم را از طریق رسانه‌های ملی و تلویزیون به اهمیت مشارکت آحاد مردم در توسعه تعلیم و تربیت، آگاه کرد و از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت در طراحی ساختار مناسب و برون رفت از موانع ساختاری، اجتماعی و فرهنگی دعوت به عمل آورد.



منابع

اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، (ترجمه منصور محمودنژاد). تهران: مرکز تحقیقات مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

پورصالحی، مینو؛ مظفر، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم و رضایی، عبدالعلی. (۱۳۹۱). بررسی موانع تحقق طرح پیوست فرهنگی (بر اساس مقایسه میان نظر نخبگان و مدیران ارشد اجرایی کشور). *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۱ (۳)، ۱۲۱-۱۴۳.

پیروزمند، علیرضا. (۱۳۸۹). *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.

ترک زاده، جعفر. (۱۳۸۷). سازوکارهای نظارت همگانی برای تغییر و توسعه درون سازمان. در *نظارت همگانی: شهروندی و توسعه سازمانی (مجموعه مقالات)*. تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۳۲۱-۳۳۵.

_____ (۱۳۸۸). رهبری راهبردی در آموزش عالی، رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، (به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹-۱۷۶.

ترک زاده، جعفر و محترم، معصومه. (۱۳۹۱). تدوین و ارائه الگویی یکپارچه از سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۷ (۳)، ۴۱۳-۴۳۴.

تقوی طلب، میرایوب. (۱۳۸۰). بررسی چگونگی توسعه مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش ناحیه یک کشوری. طرح پژوهشی، دبیرخانه شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان.

ربوی، رجب. (۱۳۹۲). بررسی موانع و مشکلات اجرائی مصوبات شوراهای آموزش و پرورش در ابعاد برون سازمانی. طرح پژوهشی، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.

زارعی، حسین. (۱۳۷۸). بررسی موانع مشارکت در نظام اداری ایران. *مجله تحول اداری*، (۲۴ و ۲۵). ۷۵-۹۰. سالاریان، عنایت. (۱۳۷۹). آسایش معلم، راحتی دانش آموز، قانون شوراها، هدفهای دیگری هم دارد. در *مجموعه مقالات مربوط به شوراهای آموزش و پرورش، دفتر اول، (گردآورنده رضا احراری، چاپ اول)*. تهران: انتشارات آذربازین.

سپهری، حسین. (۱۳۸۴). بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در آموزش و پرورش. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی.

عباسپور، نورعلی. (۱۳۹۳). بخش عمده مصوبات شوراهای آموزش و پرورش استانها اجرایی نشد. *خبرگزاری تسنیم*، ۲۵ دیماه، قابل بازیابی در

www.tasnim news.com/fa/news/1393/10/25/621545

عباسی، اسماعیل. (۱۳۸۵). *راه‌های افزایش مشارکت مردمی در آموزش و پرورش اصفهان از دیدگاه مدیران و اعضای انجمن اولیاء و مربیان*. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

فلتی، کترین ام. (۱۳۷۸). مشارکت عمومی در اداره امور عمومی، (ترجمه مرتضی مرتضوی). مدیریت، ۹ (۳۶ و ۳۷)، ص ۶۵.

- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۲). شناخت موانع موجود در مسیر مشارکتهای مردمی و راههای رفع این موانع. در مجموعه مقالات همایش مشارکت و نظارت مردم در آموزش و پرورش، چاپ اول. اراک: انتشارات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی.
- مستوفی، حبیب اله. (۱۳۷۹). مروری بر تشکیل شوراهای منطقه ای آموزش و پرورش. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، ۷ (۲۵)، ۹۰-۹۶.
- مشبکی، اصغر. (۱۳۷۷). جایگاه نظام مشارکت و بهره‌وری سازمانی. فصلنامه علمی- پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۱۲ (۱)، ۱۳-۲۸.
- معینی شهرکی، هاجر؛ ترک زاده، جعفر؛ محمدی، مهدی و خادمی، محسن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین نوع ساختار سازمانی و منابع قدرت مدیران در واحدهای ستادی دانشگاه شیراز. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۸ (۶۶)، ۱۶۵-۱۹۳.
- مکلگان، پاتریشیا و نل، کریستو. (۱۳۷۷). عصر مشارکت، (ترجمه مصطفی اسلامیه). چاپ اول. تهران: انتشارات دفتر نشر پژوهشهای فرهنگی.
- مهدوی، سید محمدصادق و رحمانی‌خلیلی، احسان. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۲ (۴)، ۵-۳۰.
- میعادفر، مسعود. (۱۳۸۰). روشهای عملی افزایش کارایی شوراهای آموزش و پرورش. در مجموعه مقالات شوراهای آموزش و پرورش (دفتر اول) «مقدماتی و آشنایی با شوراهای»، (گردآورنده رضا احراری، چاپ دوم). تهران: انتشارات آذربرزین.
- نوروزی، نادر؛ نوذرصاری، امیر و صالحی تویسرکانی، فضل الله. (۱۳۸۷). موانع و مشکلات جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌های شمال شرق تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۳ (۱)، ۹۴-۱۰۱.
- Beard, K. S., Hoy, W. K., & Woolfolk Hoy, A. (2009). *Academic optimism of individual teachers: Confirming a new construct*. Working Paper, Ohio State University.
- Boal, K.B., & Schultz, P.L. (2007). Storytelling, time and evolution: The role of strategic leadership in complex adaptive systems. *The Leadership Quarterly*, 18(4), 411-428.
- Carnall, C. (2003). *Management change in organizations*. Harlow: Pearson Education Limited.
- Clark, K. E. (2008). *The pastoral academic divide: Impacts and implications for pastoral care*. M.Ed. thesis, Murdoch University, Perth, Australia.
- Englert, C. S., & Tarrant, K. L. (1995). Creating collaborative cultures for educational change. *Remedial and Special Education*, 16(6), 325-336.
- Gershberg, A.I. (1999). Fostering effective parental participation in education: Lessons from a comparison of reform processes in Nicaragua and Mexico. *World Development*, 27(4), 753-771.
- Gursul, F., & Tozmaz, G.B. (2010). Which one is smarter? Teacher or board. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 5731-5737.

- Hammad, W. (2010). Boards of trustees (BOTs) as avenues for shared decision-making in Egyptian schools: Teachers' perceptions. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 3787-3791.
- Hoy, W. K. (2003). An analysis of enabling and mindful school structures: Some theoretical, research, and practical considerations. *Journal of Educational Administration*. 41(1), 87-108.
- Hoy, W. K., & Sweetland, S. R. (2001). Designing better schools: The meaning and nature of enabling school structure. *Educational Administration Quarterly*, 37(3), 296-321.
- Jamali, D. (2005). Changing management paradigms: Implications for educational institutions. *Journal of Management Development*, 24(2), 104-115.
- McGuigan, L. (2005). *The role of enabling bureaucracy and academic optimism in academic achievement growth*. Doctoral dissertation, Ohio State University.
- Sergiovanni, T. J., & Starrat, R. J. (1994). *Supervision: Human perspectives*. New York: McGraw-Hill.
- Sheldon, L. (2011). College bulletin boards as nutrition education tools. *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 43(4), Supplement 1, S13-S14.
- Somyürek, S., Atasoy, B., & Özdemir, S. (2009). Board's IQ: What makes a board smart? *Computers & Education*, 53(2), 368-374.
- Tylus, J. D. (2009). *The impact of enabling school structures on the degree of internal school change as measured by the implementation of professional learning communities*. Doctoral dissertation, Virginia Commonwealth University, Richmond, Virginia.
- Watts, D. M. (2009). *Enabling school structure, mindfulness, and teacher empowerment: Test of a theory*. Doctoral dissertation, The University of Alabama.



شپوهنځی ښوونځی علوم انساني او مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني